

### صوخته خرمن

یکی دیگر از مقالات شایان نقل این ماه ما ، « سوخته خرمن » نوشته‌ی آقای باستانی پاریزی است که عهده‌دار تدریس تاریخ در دانشگاه تهران اند . سوخته‌خرمن یکی به زبانهای آتش‌سوزی درروستاهای ما ، و دیگری به‌خرابی قنوات در اثر سیل ، و راه‌هایی برای پیشگیری از زیان آنها ، اشاره می‌کند . برای قسمت اول ، نویسنده خودخبری را بعنوان شاهد از «اطلاعات» بدست میدهد .

خبر دوم را بعنوان شاهد ، برای قسمت دوم ، به نقل از «کیهان» ماسبدان افزوده‌ایم ، «سوخته‌خرمن» ، نخست در مجله‌ی خواندنیها ۱۱/تیر/۴۲ - انتشار یافته است . مسائل ایران

#### ۱۱ خرمن گندم و جو سوخت

خبرنگار ما درجائگی گزارش میدهد پریروز در باغ‌ملک از توابع شهرستان ایذه بعلت نامعلومی خرمنهای کشاورزان دچار حریق شد و در نتیجه ۱۱ خرمن گندم و جو که متعلق به ۳۱ خانوار از زارعین بود در کام آتش سوخت جریان باطلاع مقامات مربوط رسید و برای کشف علت وقوع حریق اقدامات لازم بعمل آمد .

اطلاعات ۲۷ خرداد ۴۲

سیل : به مردم ۱۶ قریه خساراتی وارد کرد

کپورچال - پس از دوسه روز که بارندگی شدید در کپورچال متوقف شده بود مجدداً شروع شد و توفانی در گرفت و خسارات زیاد به زارعین وارد کرد .

بارندگی چهار شبانه روز ادامه داشت و سیل بزرگی که از کوهستان سرازیر شده بود وارد مزارع برنج گردید و زارعین که در مزارع مشغول کار بودند از ترس فرار کردند و بخانه‌های خود پناه بردند .

سیل اغلب مزارع برنج و باغهای خرپوزه و هندوانه و خیار را فراگرفت و آنها را تبدیل بدریاچه کرد .





میریزد زارع مهاجرت می کند، زنش از بی خرجی به فلاکت و بیچارگی می افتد و فرزندان کارشان به گدائی می کشد.

مناسفانه امثال وقوع این حادثه کم نیست. اندک بی احتیاطی، یعنی مثلاً ریختن آتش چپق در نزدیکیهای خرمن یا ته سیگار و یا تنور آتش کردن در حوالی آن و انتقال شعله آتش بوسیله باد بحدود خرمن، این فاجعه را بیار خواهد آورد و هیچ عاملی هم قادر به خاموش کردن آن نیست، گاه خشک است و هوای آزاد و شعله آتش و دامن زدن باد!

اگر توقع داشته باشیم که دستگاه دولت برای همه دهات ایران فی المثل سازمان آتش نشانی ترتیب دهد در حالی که مثلاً هنوز در خاکم نشین یک استانی مثل کرمان اداره آتش نشانی ندارد و آخرین وسیله خاموشی آتش در آنجا خراب کردن بازار یا طاق مورد حریق است طبعاً توقع بیجائی است یا اینکه اگر بگوئیم فی المثل خرده مالک بازارع بتوانند چنین سازمانی بوجود آورند بیهوده است.

نمونه دیگر از این آسیب که اختصاص بهات دارد، مسأله افتادن آب قنات و خرابی قنات است که خصوصاً در جنوب و استانهای مثل کرمان واقعاً مورد نابودی دهات و قصبهات بهشمار می شده است.

توضیح آنکه قناتی را که سالها قبل پیشینیان با زحمت فراوان و خرج زیاد و تلف کردن سالها عمر روی کار آورده اند و فی المثل در نواحی مانند کرمان و یزد با حفر چاههای ۱۸۰ متری خاک برداری حدودش فرسنگ گاهی مسیر قنات، سالها جان کنده اند با اندک بی احتیاطی یا بالای آسمانی ممکن است بائر و خراب شود.

یک باران سیل آسا میتواند با شستن دهاته چاهی که اتفاقاً بازمانده و ریختن مقداری خاک در آن، قناتی را بائر کند، یعنی جلوی آب گرفته شود و آب پشت قنات جمع شود و آنقدر خرابی کند که دیگر سالهای سال امکان آبادی آن بوجود نیاید وجود مالکین جزئی و همچنین وقف بودن قسمتی از چنین ملکی که موجب دلسردی و بی اعتنائی مالک یا منصدی و وقف در دادن نفقه و مخارج قناتی باشد، کار را مشکلتر میکند و بسا اوقات که منجر به خرابی قنات می شود.

صدها از این نوع قنوات داریم که بائر افتاده اند و بهمین دلیل بوده است شاید تعجب کنید که اگر بگوئیم بر طبق تحقیق یکنفر خارجی، در ایران قریب ۳۵ هزار کیلومتر قنات وجود دارد یعنی ۳۵ هزار کیلومتر زیر زمین را کنده و خاک آن را بالا آورده اند تا جوئی آب بسطح زمین بیاید و باز شاید تعجب کنید که امروز مجموع طول راههای آبادماشین رو ایران بر طبق تصریح وزارت راه بیش از ۲۷ هزار کیلومتر نیست.

واقعا حیفاست که چنین سرمایه کوشش عظیمی را ما کوچک تصور کنیم و نسبت بدان بی اعتنا باشیم .

با این که میدانیم سر نوشت و حیات همه مردم مملکت بهمین رشته آب باریک بسته است افتادن آب قنات ولو آنکه همیشگی نباشد یعنی فقط برای یکی دو هفته و یک ماه هم باشد باز زیان جبران ناپذیر دارد ، یعنی محصول یک ساله را از میان میبرد و یک دهه را به عزای حاصل یکساله می نشاند .

آیا باید در این مورد ، خصوصاً امروز که مسئله اصلاحات ارضی به مرحله اجرائی رسیده و هم خطرات مزارع و خرمن ها را بیشتر کرده و هم احتمال افزایش محصول را در بر دارد ساکت نشست و بیخیال بود .

به عقیده من ، وزارت کشاورزی به موازات انجام اصلاحات ارضی ، یک وظیفه بزرگ دیگر دارد و آن حفظ سرمایه دهقانان و خرده مالکان است که همان قنوات و خرمن ها باشد .

برای اینکار من فکر میکنم امروز هیچ راهی ساده تر و عملی تر از این نیست که همه قنوات ایران اجباراً بیمه شوند .

یعنی وزارت کشاورزی همه مالکان و زارعین را مجبور کند که قنات ملك خود را برابر حوادث بیمه کنند ، اینکار برای يك ملك مخارج زیادی نخواهد داشت ، البته باید در این مورد روی ارقام و اعداد مطالعه کرد .

ولی فی المثل اگر هر ملك روی هم رفته بتواند صد تومان در سال پول بیمه بدهد و صد ملك در يك ناحیه بیمه شوند ، در سال يكصد هزار تومان عایدی بیمه از این صد قنات خواهد بود ، در این وقت اگر فی المثل یکی از آن صد ملك در سال خراب شود و فکر میکنم احتمال خرابی يك درصد بیشتر نباشد - بیمه میتواند بلافاصله با پرداخت پول بیمه آن ملك را از خطر حتمی فوراً نجات دهد ، یعنی حدود صد هزار تومان صرف تعمیر ملك بکند . اینکار دیگر مراجع متوالی بخرده مالکان و تأخیر در امر لارویی قنات و تعمیر آن را در بر نخواهد داشت و خرابی زیاد نخواهد شد و محصول هم آسیب نخواهد دید . هم چنین است اگر فی المثل يك ناحیه از مملکت را سیل ببرد ، بیمه با پولی که از سایر دهات مملکت گرفته است ، یکبارہ میتواند کمک بزرگی بآن ناحیه بکند که هیچوقت از عهده شیر و خورشید سرخ و امثال آن بر نخواهد آمد .

بیمه با چنین کاری میتواند آخرین و بهترین وسیله حفر و تعمیر قنوات را در اختیار داشته باشد و هر وقت در هر جا احتیاج بدان پیدا شد فوراً با وسائل مکانیکی عمل کند و کار را پایان برد . این امر یعنی بیمه املاک در مورد تلمبه ها

و چاههای عمیق بمراتب مؤثرتر و نافعتر است و همه مالکان و زارعین نیز از آن استقبال خواهند کرد .

مسئله دوم ، بیمه خرمنهای زارعین است که اگر اجباری هم نباشد بصورت اختیاری یا نیمه اجباری میتواند کمک بزرگی بزراعین بکند و آینده آنان را لااقل برای یکسال تأمین نماید . این دیگر امری است که واقعاً شرکت بیمه هم میتواند بامخارج بسیار کمی آنرا بمرحله عمل درآورد . وزارت کشاورزی در جوار سایر اقدامات خود بایستی به این امر واقعاً توجهی خاص مبذول دارد و امروز که مردم دیگر سگ و گربه‌های خود را هم بیمه میکنند حیف است که وزارت کشاورزی دست روی دست بگذارد و بگوید :  
خرمن سوختگان را همه گو باد بیر !



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی